



به احترام او که خاک درگاهش، سرمه چشمان دو عالم شده

نگاهی به زندگی نمونه وار امام حسین علیه السلام...

نگاهی به زندگی نمونه وار امام حسین علیه السلام وقتی خداوند، برای هدایت بشر، "راهنما" فرستاد و برای تعیین راه و پیمودن مسیر، "حجت" قرار داد، همه ابعاد را در نظر داشت. الگوهای مکتبی، الگوی همه جانبه امت برای راهیابی به کمال و خودسازی و بندگی اند. حسین بن علی علیهما السلام نیز یکی از این اسوه های کامل و الگوهای همه جانبه است و آنچه از حضرتش باید آموخت، نه تنها درس حماسه و جهاد و ظلم ستیزی، که درس عبودیت و سخاوت و جوانمردی و ارزش گرایی و تهجد و انس با قرآن و تکریم انسان است.

در این مقاله نگاهی به بخشی از ابعاد الگویی سالار شهیدان داریم، تا روشن گردد که شخصیت وی به واقعه شوراآفرین و حماسی عاشورا و انگیزه آفرینی جهاد در کربلا خلاصه نمی شود. امروز، اگر آن باده جانبخش در ساغر دلمان نیست، می توان و باید از چشمه فیض دیگری شور و حال گرفت و "سیره حسینی" را چراغ راه قرار داد.

در عصر بازسازی ایمان و فرهنگ، توجه به ابعاد الگویی امام حسین علیه السلام ضروری است. آن حضرت، تنها در کربلا اسوه ما نیست؛ الگو بودنش تنها در زمینه حماسه و خون و شهادت هم نیست؛ حتی در کربلا هم، فقط کربلای حماسه و جهاد نبود و اوج صحنه های آن روز جاویدان هم، تنها شهادت امام و یارانش نبود.

1. نماز، اوج بندگی

سالار ما، حسین بن علی علیهما السلام، شب عاشورا برای انس با خدا و تهجد و تلاوت قرآن و نماز، از دشمن مهلت گرفت. در گرماگرم نبرد عاشورا نیز، هنگام ظهر به نماز ایستاد تا به ما بیاموزد که جان بر سر دین و خداجویی نهاده است. سعید بن عبدالله حنفی، در آن لحظه، در برابر امام همچون سپر حفاظتی می ایستد، تا حسین بن علی علیهما السلام، آخرین نمازش را بخواند و با 13 تیر که بر پیکرش می نشیند، به شهادت می رسد.(1)

ابوتمامه صائدی نیز - که خودش شهید نماز است - در روز عاشورا، فرا رسیدن هنگام نماز را یادآور می شود. امام حسین علیه السلام دعایش می کند که خدا از نمازگزاران ذاکر قرارش دهد.(2)

این که در زیارت ها امام حسین علیه السلام، او را اقامه کننده نماز خطاب می کنیم "اشهد انک قد اقامت الصلوه..."(3) جلوه دیگری از اهمیت نماز را در زندگی و شهادت آن پیشوای معنویت و عبودیت نشان می دهد.

2. رضا، اوج ایمان

کمال بندگی در "رضا" به رضای الهی و فرمان اوست. حسین بن علی علیهما السلام در حرکت به سوی کربلا، اظهار امیدواری کرد که آنچه را خداوند برایش اراده کرده باشد، "خیر" باشد، چه با فتح، چه با شهادت "ارجو ان یکون خیرا ما اراد الله بنا، قتلنا ام ظفرنا"(4). در قتلگاه نیز جملات زیبای "الهی رضا برضاک و تسلیم لامرک" که بر زبان او جاری شد، نشانه خلوص در بندگی و رضا به قضای خداوند است.

یکی درد و یکی درمان پسندد

یکی وصل و یکی هجران پسندد
ویژه نامه خبرآنلاین به مناسبت اعیاد شعبانیه/

من از درمان و درد و وصل و هجران

و جانان سیدالشهدا، خدا بود که عشق الهی در سراسر وجود حضرت، سریان و جریان داشت و "مقام رضا" مرتبه برتر ایمان او به شمار می رفت. خود آن حضرت بارها می فرمود:

"رضا الله رضانا اهل البيت" (5)؛ رضایت ما خاندان، تابع رضای الهی است.

3. صبر و مقاومت

سیدالشهدا الگوی صبر و شکیبایی در برابر مصیبت ها، مشکلات زندگی، زخم شمشیر، داغ عزیزان و شهادت فرزندان است.

امام حسین علیه السلام در آغاز حرکت خویش به سوی کربلا، بر صبر تکیه کرد و یارانی را لایق همراهی خویش می دانست که بر تیزی شمشیر و ضربت نیزه ها مقاوم باشند. "فمن كان منكم يصبر على حد السيف و طعن الاسنة فليقم معنا." (6)

در روز عاشورا نیز در خطبه ای که با این جملات آغاز می شود "صبرا بنی الکرام..." (7) یاران خویش را بر رنج جهاد و زخم شمشیر به صبوری فرا خواند، تا از تنگنای دنیا به وسعت آخرت و از دشواریهای دنیا به نعمت و راحت بهشت برسند و مرگ را همچون "پل عبور" بدانند.

هنگام خروج از مکه نیز در ضمن خطابه ای فرمود: "نصبر على بلائه و يوفينا اجر الصابرين." (8)

و صبر بر بلا را مقدمه رسیدن به "اجر صابران" دانست که خداوند عطا خواهد کرد.

روز عاشورا، فرزندش علی اکبر را هم با جمله "یا بُنِی اَصْبِر قَلِيْلًا" دعوت به صبوری کرد و خواهر خویش را در آن روز سرخ، به "صبر" توصیه کرد.

صبر و مقاومتی که ملت ما از حسین بن علی علیهما السلام و حضرت زینب (س) آموختند، آنان را در سال های دفاع مقدس و جبهه های نبرد و صحنه های انقلاب، رویین تن ساخت و به آزادگان عزیز در سال های سخت اسارت، قدرت تحمل بخشید.

4. کرامت و بزرگواری

آقای و بزرگواری امام حسین علیه السلام زبانزد بود. سال هایی که در مدینه می زیست و در دوران پدر بزرگوارش، آنچه از دست کریمش می جوشید، سخاوت و جود نسبت به سائلان و نیازمندان بود.

به روایت حضرت سجاد علیه السلام، امام حسین علیه السلام بار غذا و آذوقه به دوش می کشید و به خانه یتیمان و فقیران و بیوه زنان نیازمند می برد. از این رو، بر شانه های آن حضرت جای آن مانده بود. (9)

پس، رسیدگی به محرومان و سرکشی به مستضعفان را هم باید از حسین علیه السلام آموخت. وی روزی بر عده ای بینوا گذشت که سفره ای گسترده و روی زمین نشسته، نان خشک می خوردند. پسر پیامبر را به آن طعام دعوت کردند. حضرت از اسب فرود آمد و نزد آنان نشست و از غذایشان خورد، سپس آنان را به خانه خود دعوت کرد و از آنان پذیرایی نمود.

شیوه کریمانه وی، شهرت آفاق بود. وقتی سائلی به در خانه امام آمد و در زد، اشعاری با این مضمون می خواند که:

هرکس امروز به تو امیدوار باشد، ناکام و نومید نمی گردد و هر کس حلقه در خانه تو را بکوبد، دست خالی بر نمی گردد. تو، سرچشمه جود و سخاوتی و پدرت، کشنده فاسقان تبهکار بود. "لم يخب الان من رجاك..." (10)

مگر نه این است که نوع دوستی، گرایش به مساکین، تواضع و مردمی زیستن و عاطفه انسانی داشتن را هم باید از الگویی چون حسین بن علی علیه السلام آموخت؟ رفع نیاز دوستان و همفکران و همسنگران، در رفتار آن حضرت جلوه گر است و در این میدان

هم باید از او پیروی و به او تاسی کرد.

5. کار فرهنگی و آموزشی

در نقل های تاریخی آمده است که وقتی معلم یکی از فرزندان به او سوره حمد را آموخت، هزار دینار جایزه به معلم داد و به او خلعت و لباس بخشید و دهانش را پر از گوهر ساخت. وقتی بعضی سبب این همه بخشش را پرسیدند، فرمود: این ها کجا برابر چیزی است که او به فرزندم داده است؟ (یعنی آموزش قرآن و سوره حمد)

آن حضرت در ارزش گذاری به تعلیم و تربیت و تشویق معلم و مربی فرزندان خویش و ارج نهادن به جایگاه تعلیم و تربیت نیز، الگوی ماست و باید از او بیاموزیم که به بُعد فرهنگی و تربیتی کودکان مان بها بدهیم و در این زمینه، وقت و پول هزینه کنیم.

6. روحیه عرفانی

یک بُعدی بودن، نقصانی برای انسان است. پیشوایان دینی ما در همه ابعاد، صاحب کمال بوده اند و در شیعیان خود نیز این را می پسندیدند.

خوف از خدا، چشمان اشکبار، حالت نجوا و نیایش، زبان ستایشگر خدا، زندگی سراسر شکر نسبت به نعم الهی، نمازهای با حال و رکعات بسیار در شبانه روز، بارها سفر پیاده به حج خانه خدا رفتن، حضور مکرر بر سر مزار مادر بزرگش حضرت خدیجه (س) و گریستن و دعا کردن برای او، نیایش ژرف و عاشقانه اش در پای "جبل الرحمه" و دعای وی در روز عرفه - که از زیباترین و غنی ترین متون نیایشی عارفانه است - همه و همه، خبر از روح بلند عرفانی آن حضرت دارد.

پس، از این بُعد حیات وی و توجه به خدا و نیایش های شبانه و دعاها متضرعانه سیدالشهدا نیز باید الگو گرفت و بخشی از فرصت های روز و شب را به خلوت با خدا پرداخت. اگر در زندگی یک دوستدار و پیرو، این جنبه مشهود نباشد، در تأسی به آن اسوه معنویت و نیایش، کوتاهی کرده است.

7. عشق به خدا

از برجسته ترین جنبه های شخصیت سیدالشهدا، محبت پروردگار و دلدادگی او به خداوند و امر و رضای اوست.

این که نسبت به حادثه عاشورا و آمادگی برای شهادت طلبی و پذیرش تبعات و پیامدهای آن و راضی شدن به یتیمی فرزندان و اسارت اهل بیت، از زبان حضرتش چنین نقل شده است:

ترکت الخلق طرا فی هواکا

و ایتمت العیال لکی اراکا

نشانه خدا دوستی و عشق به معبود، فنا در "حب الهی" است.

این که نقل شده است: هرچه امام حسین علیه السلام به لحظه شهادت نزدیک تر می شد، چهره اش برافروخته تر و شکفته تر می گشت؛ تعبیر دیگری از عشق الهی اوست که تبدیل هجران به وصال را می دید و به وجد میآمد.

عمان سامانی در مثنوی بلند "گنجینه الاسرار" خویش، به رفتار و حالات حسین بن علی علیهما السلام از دید عرفانی و عشق نگرسته و امام را سرمست از شراب شوق و عشق الهی می بیند که پیایی جام محبت و بلای بیشتری می خواهد، و او را موحی برخاسته از دریا می داند که محو حقیقت خداست و می خواهد باز به همان دریا بپیوندد و در این راه، از هرچه جز "او"ست، دست می شوید و "خود" را قربانی می کند. وی در این ترسیم عاشقانه، سراسر عاشورا و صحنه های رزم فرزندان و یاران را جلوه ای از آن "جذبه الهی" و عشق برتر می شناسد و شهادت هر کدام از یاران را همچون "هدیه" به درگاه دوست توصیف می کند، تا رضای محبوب تامین شود و به بزم قرب، بار یابد.

چنین روحیه ای و عشقی، بی شک در حسین دوستان صادق نیز یافت می شود، چرا که الگوشان چنین حسینی است که در دل، جز محبت الهی را راه نداده است.

8. ذکر خدا

گوهر یاد خداوند، موهبتی عرشی است که در هر دل که جای گیرد و بر هر زبان که جاری شود، آن دل و زبان را نفیس می سازد، چه ذکر قلبی باشد، چه ذکر زبانی .

حسین بن علی علیهما السلام بنده ذاکر خدا بود، پیوسته حمد و ثنای الهی بر زبانش و سپاس نعمت ها در قلبش. و در راحت و رنج و پنهان و آشکار یاد خدا آرام بخش جاننش بود و بر او تکیه داشت و هیچ صحنه تلخ و غمباری نبود، جز آن که داروی "یاد خدا" آرامش می کرد.

تنها در صبح عاشورا نبود که با گفتن "اللهم انت ثقتی فی کل کرب"، به یاد خدا بودن را ابراز می کرد و تنها در حملات حماسی روز عاشورایش نبود که با تکرار جمله "لا حول ولا قوه الا بالله" (11)؛ ارتباط قلبی خود را با معبود، بر زبان می آورد، بلکه همواره گویای "الله اکبر" بود و ذکر "الحمد لله علی کل حال" و یاد خدا ورد زبانش بود و "استرجاع" را - که یکی از شاخص های ذکر حقیقی، بهخصوص در هنگام مصائب و ناگواربهاست - در مواقع مختلف از جمله در راه مکه به کربلا، بر لب داشت. از دید امام حسین علیه السلام شقاوت سپاه کوفه که برای آن جنایت عظیم حضور پیدا کرده بودند، نتیجه غفلت از یاد خدا بود و چون می دید آنان به هیچ روی، از کینه و عناد خویش دست بر نمی دارند و بر کشتن او مصمم اند، به آنان می فرمود:

"لقد استحوذ علیکم الشیطان فانساکم ذکر الله العظیم" (12)؛ شیطان بر شما چیره گشته و یاد خدای بزرگ را از (دل) شما برده است.

وقتی چراغ یاد خدا در شبستان دل انسان روشن باشد، هرگز شیطان رخنه گاهی برای ورود به خلوتگاه دل نمی یابد و این خانه که باید جای خدا باشد، ماوای دیو و دد نمی گردد.

پیروان حسین علیه السلام را سزاست که مشعل فروزان "ذکرالله" را در اقتدا به سالارشان در دل برافروزند، تا نه دچار یأس و تردید شوند، نه ملعبه ابلیس و هوای نفس.

اینها و بسیاری دیگر از این گونه ویژگی های روحی و رفتاری است که از حسین بن علی علیهما السلام برای پیروانش در همه اعصار و نسل ها "الگوی همه جانبه" ساخته است و منشوری پدید آورده که از هر طرف به آن بنگریم، جلوه ای خاص و بعدی مقدس و الگویی شایسته تبعیت به چشم می خورد.

خلاصه سخن آن که:

هم از معنویت و توجه به خدا و نیایش های شبانه امام حسین علیه السلام باید درس آموخت، هم از توجه به علم و ادب و دانش و تربیت فرزندان، هم حسن خلق و کرامت رفتاری و مستضعف گرایی، هم از ایثار و سخاوت و بذل و بخشش وی، و هم از رافت و مهربانی و عواطف والای انسانی نسبت به هموعان.

حسین بن علی علیهما السلام مقتدای همه و همیشه و همه جاست؛ چه در جنگ و چه در صلح، چه در میدان جهاد و چه در عرصه اعتقاد، چه در صداقت و پاکی، چه در شجاعت و بی باکی، چه در روحیه شهادت طلبی، چه در عبادت ها و راز و نیازهای نیمه شبی .

جویندگان راه معنی و طالبان عزت و آزادی، باید در "آینه اوصاف حسینی" به تماشای این جلوه های ناب و ماندگار بنشینند و اگر اهل سیر و سلوک اند و شیفته "عرفان اهل بیتی"، و اگر به افق دور دست تر از مادیات و بلندتر از روزمرگی ها می نگرند، باز هم باید به "مرآت حسینی" چشم بدوزند و به این "آینه حُسن" بنگرند.

برای الگوبری از "اسوه های حسنه"، باید به جهات اسوه بودن آنان توجه داشت؛ حسین بن علی علیهما السلام یکی از این اسوه هاست؛ خود نیز فرموده است: "لکم فی اسوه".

مرور به چند نمونه از جهات الگویی سیدالشهدا، برای آن بود که درس آموزی از این سرمشق خدایی آسان تر باشد و عملی تر.

آینه سلوک حسینی، پیوسته در منظرمان باد.

پی نوشت ها:

منبع: تبیان

1 - مقتل الحسین، مقرر، ص 304.

2 - سفینه البحار، ج 1، ص 136.

3 - زیارت وارث (مفاتیح الجنان).

4 - اعیان الشیعه، ج 1، ص 597.

5 - موسوعه کلمات الامام الحسین(ع)، ص 328.

6 - ینابیع المّوده، ص 406.

7 - نفس المهموم، ص 135.

8 - بحارالانوار، ج 44، ص 367.

9 - حیاة الامام الحسین(ع)، ج 1، ص 128.

10 - همان، ص 131.

11 - موسوعه کلمات الامام الحسین(ع)، ص 414.

12 - همان، ص 485.

کوثر، شماره 51